

علم و عدل و فضل و غیرها

حضرت عبدالبهاء

اصلی فارسی



لوح رقم (12) - امر و خلق، جلد 1

۱۲ - علم و عدل و فضل و غیرها

از حضرت عبدالبهاء است. قوله العزیز: "ما از برای ذات الوهیت اسماء و صفاتی بیان میکنیم و بصر و سمع و قدرت و حیات و علم ستایش نمائیم اثبات این اسماء و صفات نه بجهت اثبات کمالات حق است بلکه بجهت نفی نقائص است. چون در عالم امکان نظر کنیم مشاهده نمائیم که جهل نقص است و علم کمال لذا گوئیم که ذات مقدس الهیه علیم است و عجز نقص است و قدرت کمال گوئیم که ذات مقدس الهیه قادر است. نه این است که علم و بصر و سمع و قدرت و حیات او را کماهی ادراک توانیم زیرا آن فوق ادراک ما است چه که اسماء و صفات ذاتیه عین ذات است و ذات منزّه از ادراکات و اگر غیر ذات تعدد قدماء لازم آید و مابهالامتیاز بین ذات و صفات نیز متحقق و قدیم لازم آید لهذا تسلسل قدماء نامتناهی گردد و این واضح البطلان است."

و از آن حضرت در خطاب بدکتر فورال است. قوله العزیز: "اما صفات و کمالاتی از اراده و علم و قدرت و صفات قدیمه که از برای آن حقیقت لاهوتیه می شماریم این از مقتضیات مشاهده آثار وجود در حیز شهود است نه کمالات حقیقی آن حقیقت الوهیت که ادراک ممکن نیست. مثلا چون در کائنات ملاحظه نمائیم کمالات نامتناهی ادراک کنیم و کائنات در نهایت انتظام و کمال است گوئیم که آن قدرت قدیمه که تعلق بوجود این کائنات یافته البتّه جاهل نیست پس میگوئیم که عالم است و یقین است که عاجز نیست پس قدیر است و یقین است که فقیر نیست پس غنی است و یقین است که معدوم نیست پس موجود است. مقصود اینست که این



ORIGINAL

نعوت و کالاتی که از برای آنحقیقت کلیه می‌شماریم مجرد برای سلب نقائص است نه ثبوت کالاتی که در حیز ادراک انسانی است لهذا می‌گوئیم که مجهول النعت است.

و از آن حضرت در کتاب مفاوضات است قوله العزیز: "علم ذاتی حق محیط بر اشیاء قبل وجود اشیاء و بعد وجود اشیاء یکسان است... این کمال الهی است... از زمان ماضی و حال و مستقبل مقدس و عین تحقق اشیاء است... همچنانکه عفو از صفت رحمانیت است عدل نیز از صفت ربوبیت است خیمه وجود بر ستون عدل قائم نه عفو."

و قوله الکریم: "ولکن فرق در اینجا است که انبیاء می‌فرمایند علم حق محتاج بوجود کائنات نیست علم خلق محتاج بوجود معلومات است. اگر علم حق محتاج بمادون باشد آن علم خلق است نه حق زیرا قدیم مابین حادث است و حادث مخالف قدیم. آنچه را در خلق ثابت نمائیم که از لوازم حدوث است در حق سلب نمائیم زیرا تنزیه و تقدیس از نقائص از خصائص وجوب. مثلاً در حادث جهل بینیم در قدیم اثبات علم کنیم، در حادث عجز بینیم در قدیم قدرت اثبات نمائیم، در حادث فقر بینیم در قدیم غنا اثبات کنیم، یعنی حادث منشاء نقائص است و قدیم جامع کالات... و این اوصاف کالیه الهیه محاط بادراکات عقلیه نیست تا حکم نمائی که علم الهی محتاج بمعلومات است."

و از آن حضرت خطاب به جناب آقا میرزا احمد علی علیه بهاء الله در نیریز: "هو الله، ای یار قدیم و همدم ندیم... از حدیث العلم تمام المعلوم و القوّة و القدرة تمام الخلق سؤال نموده بودید فرصت شرح و تفصیل نیست معذور بدارید مختصر این است که می‌فرماید جمیع معلومات علم الهی است یعنی حقایق معلومه باید تا تحقق علم حاصل شود تا محاط نباشد محیط احاطه نکند و تمام خلق آیات قدرت و قوت حقّاند در این صورت باین نظر انسان نتواند که ناس را عوام شمرد و خود را عالم داند زیرا معلومات حقّ علم حقّ است العلم عین المعلوم و ممکنات آیات قدرتاند نظر حقارت نتوان بآیات الهی نمود." و از آن حضرت در جواب میرزا محمد ناطق است: "سؤال مکرر مجرب و مشهود افتاده که اولاد پاداش اعمال نیک و بد اجداد را مییابند و یک سلسله بعد از ستم و طغیان کیفر مییابند در صورتیکه آحاد و اشخاص کیفربران غیر از اشخاص ستمگراناند در صورتیکه می‌فرماید لا تجزی عن نفس شیئا پدری ظلم کرد پاداش نیافت پسری ظلم نکرده گرفتار جرم پدر شد حکمت چیست؟ جواب فرصت نیست پاداش دو قسم است خصوصی آن جزای اعمال خصوصی است مانند ظلم و طغیان لا تجزی عن نفس شیئا لا تزروا زرة و زراخری، و شمولی است نظیر انسانی که خود را بمرض مبتلا نماید که ساری است."

و از آن حضرت در مفاوضات است قوله العزیز: "تفاوت بین نوع (نوع انسان) از حیث (حیثیت) ترقیّات روحانیّه و کالات ملکوتیه نیز بانتخاب حضرت رحمن است زیرا ایمان که حیات ابدیه است از آثار فضل است

نه نتايج عدل شعله نار محبت بقوت انجذاب است نه بسعي و كوشش در جهان خاك و آب بلكه بسعي و
اجتهاد اطلاع و علم و كمالات سائره حاصل گردد. پس بايد انوار جمال الهی روح را بقوه جاذبه در وجد و
حرکت آرد لهذا ميفرمايد المدعوون كثيرون و المختارون قليلون."